

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سید هاشم سدید

اول ماه می ۲۰۱۲

جناب عبیدی صاحب!

نمی دانم که تصور شما از روشنفکر و مفهوم روشنفکری چیست. من با این جمله کارل ریموند پوپر که می گوید: «ما روشنفکران از هزاران سال پیش خسارات نفرت انگیزی به بار آورده ایم، قتل عام ها به نام یک آرمان، به نام یک مکتب و به نام یک تیوری، این کار ما است، اکتشاف ما است. اکتشاف روشنفکران.» و روشنفکران را مسؤول خسارات نفرت انگیز و قتل های عام و... می دانند، هم موافق نیستم.

اگر به کلمه یا مفهوم روشنفکری دقیق شوید، این مفهوم را مشبع از معنا های بسیار عاطفی و لطیف و سازنده ای می یابید که همه بر محور احترام به انسان و انسان دوستی بی شائبه و احترام به حق رأی و آزادی و انتخاب فرد فرد انسان ها در یک جامعه، در یک سیستم، و در نهایت در یک نظام جهانی، بنا یافته است.

کار روشنفکر روشننگری است، نه حکومت کردن، به خصوص حکومت کردن به زور نیزه و دست بردن به سلاح و به راه انداختن جنگ ها، به هر عنوان و تحت هر نامی که باشد؛ و ترور و شکنجه و زندان و کشتن و بستن ... قتل های عام و جاری ساختن رودخانه هایی از خون صد ها هزار انسان مخالف اعتقاد حاکمیت ها و ساختن کوره های آدم سوزی می تواند کار یک شاعر و نویسنده، کار یک وکیل، کار یک داکتر، کار یک حقوقدان، کار یک انجینر، کار یک معلم، کار یک تحصیل کرده علوم سیاسی، کار یک سیاستمدار، کار یک فیلسوف، کار یک روحانی، کار یک کمونیست و کار یک لیبرال باشد، اما به هیچ وجه و هیچ منطقی نمی تواند کار یک روشنفکر باشد.

اطلاق کلمه روشنفکر به کسی که حاضر شود، حتی برای رهایی انسان و برای اعمار یک جامعه سعادتمند و آرام، حق یک انسان را هم تلف کند، کفر مطلق است.

قتل هایی که به نام فاشیسم، نازیسم، کمونیزم و لیبرالیسم، در گذشته و امروز در چهار گوشه دنیا صورت گرفته است و صورت می گیرد، را چگونه می توان کار روشنفکر خواند؟

چنین کار هایی از وحشت و درنده خوئی انسان های انجام دهنده آن ها سر می زند، از حیوانیت آن ها، نه از عقلانیت که نشانه ای از روشنفکری است.

قتل های عامی را که خلق و پرچم در کشور ما به نام مارکسیسم و به نام کمونیسم به راه انداختند، چگونه می توانید کار روشنفکران بخوانید؟ یا حمایت صدها انسان باهوش و تحصیل کرده ای مثل شما را در زمانش از این ها چگونه باید کار روشنفکرانه خواند؟

مگر بنای یک جامعه رفاه، ولو ساختن چنین جامعه ای با کشتار مخالفان ممکن باشد، با ساختن کله منارها باید توأم باشد؟

این چگونه روشنفکری است که پوپر از آن حرف می زند و شما هم آن را برای تقویت سخن و نظرتان نقل می کنید؟

اگر می گوئید روشنفکری، یعنی "نواندیشی"، من با شما موافقم، اما اعتبار نواندیشی وقتی محق است که نواندیشان ارزش حتی یک فرد انسانی، و حق زیست و حق انتخاب وی را بپذیرند و مراعات و احترام کنند و به او حق ابراز آزدانه عقیده اش را بدهند.

روشنفکر معتقد به تحمیل اعتقاد خود بر دیگران نیست! روشنفکر تنها موعظه گر است. کار روشنفکر تنها بیان افکار و نظریاتش نو و روشنگرانه است. تره کی، امین، کارمل و نجیب، هیچ کدام، مغز و افکار باز و مستقل - یکی از خصوصیت های بارز روشنفکری - نداشتند که خود پیرامون اندیشه های فلسفی - اجتماعی - سیاسی که آن ها را به عنوان وسیله و هدف انتخاب کرده بودند، مستقلانه فکر و مستقلانه عمل کنند.

اینها، هیچ کدام شان، همچنان پیروان شان، قدرت تشخیص و تمیز نقاط ضعف و قوت اندیشه های شان را نداشتند؛ کاری که مختص یک روشنفکر است!

اینها، از بالا تا پائین، از نگاه تفکر و عمل، مقلد محض بودند. این ها هیچ گاه به واقعیت ها و به نیازهای زمان و مکان و تحول و تغییر توجه نداشتند. دیگرانی که خود را امروز به مثابه روشنفکران محکوم می کنند، همچنین! بلی تاریخ محکوم می کند، اما نه آنهایی را که به نام انسان و به نام آزادی - نه به نام یک اندیشه اسارت بار دیگر - در برابر این آدمکشان مزدور و مقلد و امپراتوران شهرهای ظلمت قرار گرفتند.

اگر منظور تان از "همه ما" کسانی باشد که با آن دستگاه خونریز همکاری داشتند و به شکلی داوطلبانه و آگاهانه در تحکیم آن سیستم جنایت پیشه سهیم بودند و آن را حمایت کردند و هنوز هم حمایت می کنند، ما حرفی نداریم!! اما در مورد گوربچف باید عرض کنم که شما او را خانه آبادی می دهید که با چرخش تاریخی خود سبب رهایی مردم ما هم از وحشت خلق - پرچم شد، درحالی که اکثریت عظیم خلقی ها و پرچمی ها او را به عنوان یک خاین می شناسند. چرا؟ برای این که او با پشت کردن به کمونیسم خیلی از حکومت های دیکتاتوری و غیرمردمی مانند حکومت نجیب را تنها و بی سرپرست گذاشت و یتیم ساخت، حکومت هائی که وجود و عدم شان بستگی به حمایت شوروی داشت!

حتماً می فرمائید که وابستگی به خارجی و بریدگی از مردم هم یکی از نشانه های روشنفکری است!! گذشته از این شما با برجسته ساختن نقش گوربچف در تغییری که در افغانستان به وجود آمد حماسه آفرینی های اکثریت مردم خاموش، فراموش شده و شریف ما را نادیده گرفته اید! چنین کاری جفا به مردم قهرمان ماست.

در اخیر می خواهم یک نکته دیگری ("یک" در این جا علامت نکره است و همراه با "ی" پساوند نکره یکجا استعمال شده است. دلیل این تذکر این است که بعضی از بزرگان ما کاربرد یک نکره را با یاء پساوند نکره نادرست می پندارند، در حالی که چنین نیست. اگر خواسته باشیم می توانیم اینکار را بکنیم. در قدیم هم این کار می شده است.) را یادآور شوم و آن این که کسی که ضد جنگ نیست، کسی که از جنگ امریکا در ویتنام حمایت می کند و

بمباردمان شهر های هیروشیما و ناگازاکی را به یک شکلی می خواهد توجیه کند، نمی تواند یک روشنفکر باشد، و نمی تواند درباره خصلت های یک روشنفکر و روشنفکر بودن و روشنفکر نبودن انسان ها ابراز عقیده کند، ولو یک فیلسوف، استاد دانشگاه، یک انسان معمر و مورد تکریم و... در سطح جهان باشد!

۲۰۱۲/۰۴/۳۰